

صوفی بودند و به تصوف گرایش داشتند، تشیع و تصوف را کنار هم قرار دادند.

دکتر زرین کوب در این باره می‌نویسد: «صفویه در عین این‌که تشیع را رکن عمده دولت خویش ساختند، تصوف را رکن دیگر آن تلقی کردند و در نهضت انقلابی آنان بود که تصوف و تشیع به هم امتزاج یافت.<sup>(۱)</sup>»

شاه اسماعیل خودش را مرشد کامل و قطب وقت اعلام کرد. بعدها در زمان شاه عباس عده‌ای از بزرگان خاندان صفی ادعای **۲** مرشدیت کردند و خواستند مرشدیت و پادشاهی را از هم جدا کنند. آن‌ها پادشاه را از مقام مرشد کامل خلع کردند. این مسأله و نفوذ علمای شیعه در دربار باعث گردید که شاه عباس به مخالفت با صوفیان برخیزد و سرانجام دست به قلع و قمع صوفیان زد و کار به جایی رسید که کسی جرأت نداشت خودش را صوفی معرفی کند.

۱. دنباله جستجو در تصوف ایران، ص ۲۳۰.

### تصوف، تشیع و ایران

سوابق صوفیه نشان می‌دهد که صوفیان نخستین، بیشتر سنی مذهب هستند. جنید بغدادی، ابوهاشم کوفی، منصور حلاج، ابوحنبلان دمشق، قطب الدین حیدر، بایزید بسطامی، عطار، همه سنی هستند. حال سؤال این است که تصوف از چه زمانی وارد تشیع شد؟ چه کسانی در این امر نقش داشتند؟ و چرا این جریان وارد تشیع گردید؟

تا عصر صفویه صوفی شیعه کم بود و چون صوفیان شیعه بودند، تشیع مذهب رسمی شد. شاه اسماعیل، از نوادگان شیخ صفی اردبیلی بود و شیخ صفی صوفی و دارای اختیارات و نفوذ بی نظیر در ایران بود. صفویه تشیع را مذهب رسمی اعلام کرد و از طرفی چون شاهان صفوی از نسل

### پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب

## تصوّف، تشیّع و ایران



www.adyannet.com

که مجدداً آن‌را در ایران احیا کنند. هنگامی که شاه علیرضا دکنی پادشاه هند شد، دو نفر را مأمور کرد به ایران بیایند. از این رو، شاه طاهر دکنی و معصوم علی‌شاه در سال ۱۱۹۰ قمری وارد ایران شدند. در همان زمان، علیرضا شاه ۱۲ نفر دیگر را به شهرهای مختلف فرستاد و کمپانی هند شرقی موقوفه‌ای را به نام موقوفه داوود - که پول کلانی می‌شد - برای تبلیغ تصوف هزینه کرد.<sup>(۱۰)</sup>

برخی از افرادی که مأمور ایران شدند تا فرقه نعمت الهی را ترویج نمایند، عبارتند از: فیض علی‌شاه، مأمور اصفهان؛ درویش حسینعلی اصفهانی، مأمور خراسان و کابل؛ درویش عباسعلی سیرجانی، مأمور کردستان؛ مجذوب علی‌شاه، مأمور آذربایجان؛ مشتاق علی‌شاه، مأمور کرمان. و بدین صورت بود که تصوف دوباره در ایران گسترش یافت.

۱۰. حقوق بگیران انگلیس، ص ۱۰۷.

## فرقه نعمت الهی در ایران

مهم‌ترین فرقه صوفیه در ایران، فرقه نعمت الهیه است. نور الدین نعمت الله فرزند عبدالله در سال ۷۳۱ قمری در شهر حلب متولد شد. وی مؤسس فرقه نعمت الهی و احیاگر تصوف در ایران بود. در سال ۷۵۵ در سن ۲۴ سالگی برای انجام مناسک حج به مکه رفت و از آنجا به مصر و در مصر مرید عبد الله یافعی (وفات ۷۶۸) شد. او هفت سال شاگردی یافعی کرد و جزو خلفای وی شد.

۳

یافعی از سران فرقه معروفیه است که خودشان را به معروف کرخی می‌رسانند و نعمت الهیه دنباله معروفیه است. نعمت الله ولی، در سال ۷۶۲ ق که مصادف با سال دوم سلطنت تیمور بود، به ایران آمد. وی بیش از صد سال عمر کرد و در سال ۸۳۴ قمری از دنیا رفت.<sup>(۲)</sup> مذهب نعمت الله ولی مشخص نیست. او در آثارش هم سنی است و هم شیعه؛ هم در دفاع از اهل بیت شعر سروده است و هم در دفاع از

۲. تشیع و تصوف، دکتر کامل مصطفی الشیبی، ص ۲۳۲.

خلفا. برخی نعمت الله را مثل استاد خود یافعی، حنفی مذهب می‌دانند. وی در دیوان اشعارش می‌گوید:

ره سنی‌گزین که مذهب ماست

ورنه گم گشته‌ای و در خللی

رافضی کیست دشمن بوبکر

خارجی کیست دشمنان علی

هر که او چهار یار دارد دوست

امت پاک مذهب است و ولی

دوستدار صحابه‌ام به تمام

یار سنی و خصم معتزلی<sup>(۳)</sup>

۴

و یا می‌گوید:

پرسند زمن چه کیش داری

ای بیخبران چه کیش دارم

از شافعی و ابوحنیفه

آیینه خویش پیش دارم

در علم نبوت و ولایت

از جمله کمال پیش دارم

ایشان همه بر طریق جدند

من مذهب جد خویش دارم<sup>(۴)</sup>

به هر حال نعمت الله تصوف را در ایران گسترش

۳. دیوان شاه نعمت الله ولی، مقدمه محمود عباسی، ص ۴۸۴.

۴. کلیات شاه نعمت الله، حرف میم، چاپ کرمان، ص ۷۱۲؛ همان چاپ حروفی، ص ۵۷۹.

داد و آدابی را بنا نهاد و ادعاهایی را مطرح کرد. او در دیوان اشعارش می‌گوید:

بر جای رسول نعمت الله ولی  
است.<sup>(۵)</sup>

و در جای دیگر خودش را مظهر خدا و جامع

ادیان معرفی می‌کند:

مذهب جامع از خدا دارم

این هدایت بود مرا ازلی<sup>(۶)</sup>

واعظی در رساله خود می‌نویسد: «از جمله

آداب نعمت الله این بوده که مریدان، پیش از

ذکر، شیخ (نعمت الله) را سجده می‌کردند.<sup>(۷)</sup>»

۵

سخاوی، نعمت الله... ولی را سنی معرفی

می‌کند.<sup>(۸)</sup>

مهم‌ترین دلیل موفقیت نعمت الله ولی در

گسترش تصوف را می‌توان درآمدهای مالی او

عنوان کرد. او از دو منبع کسب در آمد کرد:

۱. اسکندر نواده تیمور که علاقه بسیاری به او

داشت، کمک زیادی به وی کرد.

۵. دیوان اشعار، ص ۵۷۷.

۶. همان، ص ۳۴۷.

۷. رساله واعظی، ص ۳۰۲.

۸. الضوء الامع، ص ۲۰۱.

۲. احمد شاه بهمنی، پادشاه هند که به جهت رقابت با شاهرخ میرزا حاکم ایران، به نعمت الله کمک می‌کرد.

نعمت الله در قریه تفت و در ماهان کرمان دو

خانقاه ساخت که پایگاه این فرقه شد.<sup>(۹)</sup>

بعد از نعمت الله، پسرش شاه خلیل جانشین او

شد و ارتباطات شاه خلیل با هند تا حدی صمیمی

و زیاد شد که شاهرخ پادشاه وقت ایران، مجبور

به برخورد با او گردید و در نهایت، شاه خلیل

ایران را ترک و به هند رفت و در آنجا پادشاه

هند دخترش را به پسر شاه خلیل داد و

۶

بدین وسیله، این فرقه در دربار به منصب

بزرگی دست یافتند و نوه نعمت الله شیخ

المشایخ هند گردید. از اینرو بنیان نعمت الهی

از ایران به هند منتقل شد. البته نعمت الهی‌ها

در اوایل صفویه به دلیل قدرت رقابتی خاندان

اردبیل نتوانستند موفقیت چندانی به دست آورند.

در هر صورت، قطبیت این فرقه به هند کشیده

شد و بسیاری از آن‌ها پادشاه شدند. این فرقه تا

زمان نادر، دیگر در ایران جایگاهی نداشت. و

بعد از نادرقلی افشار، بزرگان فرقه تصمیم گرفتند

۹. طرائق الحقایق، ج ۳، ص ۷.